

یادداشت روز

هفته دولت؛

حمایت واقع بینانه، نقد منصفانه

رهبر حکیم انقلاب در آستانه هفته دولت و یک‌سالگی امام هشتم علیه‌السلام، چهاردهم در بخشی از بیانات خود در مراسم عزاداری امام هشتم علیه‌السلام، «بیانات از اتحاد ملی را وظیفه‌های همگانی دانستند و فرمودند: «اتحاد مقدس، اجتماع عظیم و سیر پولادین دلها و اراده‌های مردم نباید مغشوش شود و حفظ آن وظیفه اهل بیان و قلم و تحقیق، کسانی که نوبت می‌زنند و همه مردم و مسئولان کشور بخصوص مسئولان قوای سه‌گانه است که بجمدا... آنها نیز امروز در کمال اتحاد و همدلی با یکدیگر کار می‌کنند».

ایشان همچنین حمایت از خدمتگزاران کشور را ضروری خواندند و افزودند: «مردم از خدمتگزاران از جمله رئیس‌جمهور که پرکار پر تلاش و پیگیر است حمایت کنند؛ چرا که از چنین عنصری باید قدرشناسی کرد.» آنچه در تاکید بهم رهبر فرزانة انقلاب از اهمیت زیاد بر خودر است اینکه در شرایطی که دولت بار اصلی اجرایی کشور را بر دوش دارد، بر همه فرض استسب به دولت کمک کنند تا بتواند وظیفهٔ اداره کشور را به درستی انجام دهد. به روایت دیگر، به گونه‌ای باید رفتار کرد که جامعه بتواند در فضای «حمایت‌واقع‌بینانه و انتقاد منصفانه و مومنانه» نفس بکشد و کشور با کمترین آسیب مواجه باشد. سؤال این است: آیا سخن رهبر انقلاب به مفهوم آن است که دفاع و حمایت از دولت باید به دور از هرگونه نقد و انتقاد باشد یا کردام از آن روزاژه «حمایت و نقد» ضوابط و شرایطی دارد که رعایت آن ضوابط و شرایط است که موجب شکوفایی و پیشبرد امور می‌شود و دولت را در رسیدن به اهداف و برنامه‌های نظام موفق می‌دارد.

اصل داشتن تعامل بین ارکان حکومت از منظر حاکمیت و منافع ملی، او قدر لازم و بدیهی است که نیازی به اثبات ندارد. تعامل ارکان حاکمیت و در رأس آنها حمایت از دولت که بار اجرایی کشور بر دوش او است، زمینه همکاری، هماهنگایی و پیشبرد اهداف اصولی نظام و تقویت همه مجموعه‌های درونی نظام و تزریق آرامش و امنیت روانی در جامعه را فراهم می‌کند. ذکر این نکته ضروری و مهم به نظر می‌رسد که پیریزی سازوکارهای تعامل گرایان به‌ویژه حمایت از دولت به معنای عدول از مبانی و دستاوردهای انقلاب و برپایه درها و آلام مردم نیست، بلکه برعکس در صورتی‌برخاسته از تعامل، گفتگو و روحیه دلسوزانه و حمایت‌های هوشمندانه است که می‌توان مطالبات و انتقارات را با قاطعیت، مطرح و پیگیری کرد.

کوشش برای تحقق موضوع «هم‌افزا و انسجام ملی حتی اگر شرایط کشور کاملاً عادی باشد و دشمنی‌های دشمنان نیز مطرح نباشد، باز از اهمیت بنیادین بر خودر است؛ حال آنکه اینک در دوران فشار حاکمتری دشمنان و توطئه‌های نظام صهیونیستی برای تحریف تاریخی و تحریف همه مجموعه‌های ایران تحمیل شد و این استنادی دولت، ملت و همراهی جریانات سیاسی که دشمنین خبیث صهیونیستی و آمریکا را در مقابل این ابراهه پیاده می‌دارد به تفکرات پیشینی-مردم، با چه روکردی و به سمت ساز و کارهای تعامل گرایانه بین ارکان مختلف نظام و حمایت از خدمتگزاران خود که رهبری معظم انقلاب مکرر بر آن تاکید دارند، امری ضروری و بلکه حیاتی است. درباره اهمیت موضوع «اتحاد مقدس» و «ضرورت حمایت از دولت» در شرایط کنونی چند نکته مهم وجود دارد:

۱-بقینا بدون انسجم‌های درونی و حمایت از کارگزاران حکومت امکان ایستادگی در مقابل همهجمله‌های بیرونی وجود نخواهد داشت-آن هم در شرایطی که همه دشمنان انقلاب اسلامی در تخصصی شبیه به جنگ احزاب و در یک جبهه، همه امکانات مادی و روانی خود را برای فشار به نظام اسلامی به کار گرفته‌اند.

۲- همواره تلاش دشمن بر این بوده که در درون حاکمیت یک دوقطبی کاذب ایجاد کند تا در بستر آن بتواند شکاف بین مردم و حاکمیت را ایجاد کند. رهبر معظم انقلاب در ۱۹ بهمن ۹۴، دوقطبی شدن را از طر‌ح‌های دشمن برای ایجاد دوگان «مردم- نظام-مردم» معرفی کرد و ضمن «تفکرات ناگ» نامیدن آن فرمودند: «یکی از هدف‌های دائمی جبهه دشمن- که در رأسش هم آمریکاست- از اول انقلاب تا امروز این بوده که یک دوقطبی خطرناک بین مردم و نظام به وجود بیاورد.»

۳- اعتماد ملت بزرگ‌تر ین سرمایه یک نظام است که می‌تواند در گذر از بحران‌های داخلی و خارجی نقش مؤثری را ایفا کند؛ در این رابطه رهبر انقلاب می‌فرمایند: «یکی از کارهای که دشمن می‌کند، بی‌اعتماد کردن مردم نسبت به مسئولین است، ما باید مواظب باشیم خودمان چوری حرف نزنیم که مردم به مسئولین کشور، مسئولین دولتی، مسئولین قضائی، مسئولین قوه مقننه بی‌اعتماد بشوند که این بی‌اعتمادی ناقص است؛ دشمن این را می‌خواهد. ما نباید خودمان بی‌اعتماد عمل کنیم.» (۱۳۸۹/۷/۲۷)

اما حالا که پیراسی رهبر فرزانه انقلاب و استدلال‌های متقن شرایط امروز، ضرورت چهاردهم با وجود یاه‌گوی‌ها و اقدامات آشکار دشمن می‌فرمایند: «یکی از کارهایی که دشمن می‌کند، بی‌اعتماد کردن مردم نسبت به مسئولین است، ما باید مواظب باشیم خودمان چوری حرف نزنیم که مردم به مسئولین کشور، مسئولین دولتی، مسئولین قضائی، مسئولین قوه مقننه بی‌اعتماد بشوند که این بی‌اعتمادی ناقص است؛ دشمن این را می‌خواهد. ما نباید خودمان بی‌اعتماد عمل کنیم.» (۱۳۸۹/۷/۲۷)

اما حالا که پیراسی رهبر فرزانه انقلاب و استدلال‌های متقن شرایط امروز، ضرورت چهاردهم با وجود یاه‌گوی‌ها و اقدامات آشکار دشمن می‌فرمایند: «یکی از کارهایی که دشمن می‌کند، بی‌اعتماد کردن مردم نسبت به مسئولین است، ما باید مواظب باشیم خودمان چوری حرف نزنیم که مردم به مسئولین کشور، مسئولین دولتی، مسئولین قضائی، مسئولین قوه مقننه بی‌اعتماد بشوند که این بی‌اعتمادی ناقص است؛ دشمن این را می‌خواهد. ما نباید خودمان بی‌اعتماد عمل کنیم.» (۱۳۸۹/۷/۲۷)

۱- روکرد تقابلی بر خرافق منویات و منش سیاسی رهبر معظم انقلاب است که نمونه حمایت‌های رهبری را می‌توان در پنج دولت پس از امام‌(ره) به دو شکل تمایز این دولت‌ها برآمده از اصل مردم‌سالاری و خواست و انتخاب مردم بوده است. بنابراین روکرد تقابلی موجب انقلابی تاقلیل بار رأی و خواست مردم است و همه اصحاب فکر و قلم به حدی باید آن را پرنیز کنند

۲- هر گونه تقابلی موجب افزایش حواشی کاذب و فاصله گرفتن از ماموریت‌های اصلی دولت در دو بخش همگن‌سازی و مردم و دستگاه‌های نظام (عب از اجرائی، تقنینی، قضائی و نظارتی می‌شود.

۳- اما دومین رویکرد در مواجهه با دولت‌ها که به نظر می‌رسد یک رویکرد منطقی و راهگشاست، رویکرد حمایت‌انقلابی است. به نظر می‌رسد که بهترین رویکرد در تعامل با دولت، رویکرد حمایت‌انقلابی است. این رویکرد، حمایت از دولت در پیشبرد اهداف عالیه نظام و هم‌زمان انتقاد از دولت در مواردی که با اصول و خطوط قرمز نظام مشکل موجود آمده باشد را مدنظر قرار می‌دهد. نباید فراموش کرد که دولت‌ها علاوه‌بر حمایت، نیاز شدید به انتقاد و نقد دلسوزانه و منصفانه و با نگاه به فرهنگ اسلامی و آموزه‌های دین ما «نقد مومنانه» دارند. اگر بخوایم چرایی نقد مومنانه، منصفانه و عالمانه را نسبت به دولت مطرح کنیم می‌توان شرایط و دایلز زیر را برشمرد: ۱- دولت‌ها ناگهان ببعثت مبعوث جریانی و کوتاه مدت است ولی جریان تنگیی جامعه و رسانه به علت ویژگی‌هایی که دارند، زیان گویای افکار عمومی هستند و وظیفه دارند بدون حب و بغض نقد منصفانه از عملکرد دولت‌ها را داشته باشند.

۲- برنامه دولت‌ها با چالش‌ها و آسیب‌هایی مواجه است و ممکن است در برخی موارد با اصول و ماموریت‌های انقلاب فاصله و نفاذ داشته باشد. ۳- دولت‌ها ممکن است که با نگاه به فرهنگ اسلامی و آموزه‌های دین ما نکرده انحراف از مسیر انقلاب و نظام شوند، بنابراین نقد منصفانه و عالمانه و دلسوزانه و مومنانه نسبت به دولت می‌باشد. ۴- به حاشیه رفتن مسئولیت اصلی دولت و تقدم یافتن مسائل فرعی، ممکن است دولت و انقلاب را با آسیب و چالش همراه کند. لذا دلسوزان کشور و کسانی که خواهان سرپلدنی کشور در همه عر ص‌ها هستند، موظف به نقد عالمانه و منصفانه و مسئولانه نسبت به دولت می‌باشند. ۵- با نگاه باید به دشمنان حکیمانه، رهبر معظم انقلاب در توصیه به حمایت از دولت بزرگشکان و ضرورت اتحاد و همدلی در این زمینه نگاه کرد و از هر گونه تحلیل‌های غیر واقعی و سطحی پرهیز نمود.

حسن ر شوند

ضرورت خروج از NPT و محدودیت تردد در تنگه هرمز

پاسخ تهدید غرب

تهدید است نه مذاکره و انفعال

سرویس سیاسی-
در برابر سنساریوی تکراری اروپا و آمریکا، دیگر جایی برای خوش‌بینی و انتظار باقی نمانده است. تجربه نشان داده است که غرب تنها زیان زور را می‌فهمد و ایران باید با تصمیمات قاطع، از خروج از NPT تا محدودیت در تنگه هرمز، ثابت کند که تهدیدات دشمن بی‌پاسخ نخواهد ماند.

غربی‌ها بار دیگر با تکرار سناریوی نخبه و بی‌حاصل تهدید و فشار علیه ایران نشان دادند که اساسا در قلموس سیاستمداران اروپا و آمریکا چیزی به نام «توافق»، «احترام به تعهدات» و «پایبندی به قرارداد» وجود ندارد. اگر در سال‌های نخست پس از امضای برجام برخی سادماندیشان داخلی هنوز بر این تصور بودند که شاید با اندکی صبر و مدارا بتوان طرف غربی را وادار به رعایت تعهدات کرد، امروز پس از گذشتن هفت سال از مرگ رسمی برج‌جام، حتی خود معماران این توافق نیز به بی‌حاصلی آن معترف‌اند.

در اواسین روزهای برجام و قطعنامه ۲۲۳۱، که مصداق باره خروج یکجانبه آمریکا در سال ۲۰۱۸ دچار مرگ زودرس شد، اروپایی‌ها با رستی طلبکارانه آخرین حربه خود را به میدان کشیدند. مکتبیس ماشه. حربه‌ای به‌روشنی نتیجه ناپذیری و سادماندیشی جریسان برجامی است و امروز همان تبدیل کرده‌اند.

اروپا دشمن‌تر از همیشه

مذاکرات اخیر در عتوای ایران طرف‌های اروپاییی برجام، بار دیگر به روشنی ثابت کرد که اروپا نه تنها ارادتی برای بازگشت به مسیر درست ندارد، بلکه عمدا در حال وقت‌کشی و بازی دادن ایران است. رسانه انگلیسی رویترز صراحتا گزارش داد که سه کشور اروپایی تصمیم گرفته‌اند از روز پنجمشنبه ۶ بهمن‌پرو فرایند فعال‌سازی مکتبیس‌ماشه را آغاز کنند. این تصمیم به معنای پایان همان اندک آمیدی است که برخی در داخل کشور برای احیای برجام حفظ کرده بودند.

اروپایی‌ها به‌خوبی می‌دانند که برجام مرده است، اما همچنان تلاش دارند تا از لاشه آن علیه ایران بهره‌بردار کنند. این همان رویکرد ردیالنه‌ای است که در طول هفت سال

اروپایی‌ها به‌خوبی می‌دانند که برجام مرده است، اما همچنان تلاش دارند تا از لاشه آن علیه ایران بهره‌بردار کنند. این همان رویکرد ردیالنه‌ای است که در طول هفت سال

خبر ویژه

فصل کارنامه شد؛

پس می‌گوییم اختیارات نداریم!!

محافل سیاسی که با مشورت‌های موهوم و آدرس‌های گمراه‌کننده موجب اُفت کارآمدی در دولت دهم‌اند، اکنون در سالگرد تشکیل آن به جای ارائه کارنامه ادعا می‌کنند اختیارات دولت کم است و مدیاری آن به نظر ما تعیین نشده‌اند. در این فتنه‌های خوارام، سخنگوی جبهه اصلاح‌ها در این مقاله نوشت: «در خصوص کم‌ویف عملکرد دولت‌ها، باید متناسب با مسئولیت‌ها، حدود اختیارات و وظایفی که برعهده رئیس و اعضای دولت اظهارنظر کنیم. حال آنکه متأسفانه عدم تناسب اختیارات و مسئولیت‌ها باعث می‌شود نتوانیم به سنجش و داوری درست و دقتی دست پیدا کنیم.

با این حساب اگر حوزه برخی ما شخصیت و رفتار آقای پزشکیان در یکسال گذشته باشد، به باور من، حتی از عموم مسئولان و دولت‌های نیمه‌نزل‌فعلی‌بوده در دریافت خواهد کرد. از این حیث نیز باید به میزان آ‌ذای‌عمل رئیس‌جمهور در انتخاب وزیران و اعضای کابینه توجه داشته باشیم. این‌همه مسلم است آقای پزشکیان در انتخاب وزیران با محدودیت‌های روبرو بود که باعث شد در نهایت با یک کابینه منسجم روبه‌رو نباشیم. آقای پزشکیان به‌دلیل اتخاذ رویکرد ماجور شد بیش از دو سوم کابینه خود را به نیروهای جریان رقیب اختصاص دهد. حال آنکه به باور من نمی‌توان به کابینه برآمده از این شرایط، بابت وظیفه‌ها و مسئولیت‌ها به سنجش این نوع انتخاب به معنای در نظرگرفتن رأی مردم و وعده‌های انتخاباتی است.»

درباره این اظهارات گفتنی است که اولاًاختیارات دولت قانون اساسی معلوم است اما فارغیتن عدم صلاح‌اتی سه هدف گذشته همواره برای تصاحب دولت مسابقه گذاشته‌اند و پس از مدتی هتنامی که فضل ارائه کارنامه شده، ادعا کرده‌اند که دولت اختیار ندارد خ‌ا اگر دولت اختیار نداشته، خاتمی چرا برای برپا آوردن دولت با این‌همه محدودیت‌ها و مدعیان اصلاحات ادعا کردند که ضامن وعده‌های ما هستیم؟

ناتیا این طیف باید با دقت و مستند توضیح دهند کدام کار اپجلی، هر گشایانه و خدمتگزارانه را انجام داده‌اند تا سپس معلوم شود اختیاراتشان کافی بوده یا نبوده است؟!

تالفا اختیار از این بالاتر که با وجود روشن‌بودن افق مذاکره با آمریکای عهدشکن و در دسترس بودن عرث‌ها و خسارت‌های توافق برجام، و با وجود تأکید رهبر انقلاب بر غیروهمتنه‌گرایی و غیرفراتفانده مذاکره با آمریکا، به درخواست دولت، اجازه این کار صادر شد و نتیجه‌اش را در هفته‌ای چند نوبت تحریم بیشتر ایران از سوی ترامپ و حمله به ایران در حین مذاکره دیدیم.

رسا برای مردم به نظر می‌آید که در این طریف دیگران، دو سوم کلبینه فعلی دولت را به‌جانب خود می‌کشند. این اتفاق است که طی دو دهه گذشته در دولت‌های خاتمی و روحانی رخ داد و اکنون در حال تکرار است.

آزاد پس‌المللی انرژی امنی، از نظر حقوقی و سیاسی، نهاد مستقلی نیست. اعتبار حقوقی آن، مشروط به اجرای دو مسئولیت در چارچوب معاهده NPT است: منع گسترش سلاح‌های امنی، کمک به کشورها برای برپاداری از برنامه‌های هسته‌ای و اما ناگه سیاسی بر نگاه حقوقی چرپیده و مدیرکل آژانس، به گماشته شورای حکامی تبدیل شده که شاکله آن، غربی است. بنابراین، عملکرد آژانس کاملاً وارونه شده: دولت و مدیاری زن مجموعه آن در حال گسترش است، در مقابل استفاده هم‌آمیز اعضا- از جمله ایران- کارشنکی می‌شود. اسرار جمع‌آوری‌شده از سوی آژانس هم به ابزاری برای خرابکاری و ترور و بمباران دقیق‌تر تبدیل شده است.

پارادایم ابطال شده

توافقی برای رفع تحریم و تهدید

تعامل یکسویه با ژانس، اروپا، تکرار تجربه خودرود‌های است که تهدیدات و تحریم‌ها را نهایتاً به‌طرف تکرر، بلکه شدت بخشید. در جهان دیپلماسی اگر چ‌ما تضعیف شده باشد، افعال و طلبکارانه برخورد نکند، حتماً به‌هکام می‌شود. این اتفاق است که طی دو دهه گذشته در دولت‌های خاتمی و روحانی رخ داد و اکنون در حال تکرار است.

تالفا اختیار از این بالاتر که با وجود روشن‌بودن افق مذاکره با آمریکای عهدشکن و در دسترس بودن عرث‌ها و خسارت‌های توافق برجام، و با وجود تأکید رهبر انقلاب بر غیروهمتنه‌گرایی و غیرفراتفانده مذاکره با آمریکا، به درخواست دولت، اجازه این کار صادر شد و نتیجه‌اش را در هفته‌ای چند نوبت تحریم بیشتر ایران از سوی ترامپ و حمله به ایران در حین مذاکره دیدیم.

رسا برای مردم به نظر می‌آید که در این طریف دیگران، دو سوم کلبینه فعلی دولت را به‌جانب خود می‌کشند. این اتفاق است که طی دو دهه گذشته در دولت‌های خاتمی و روحانی رخ داد و اکنون در حال تکرار است.

که قطعنامه ۱۹۲۹ به عنوان مهم‌ترین قطعنامه شورای امنیت علیه ایران در حال اجرا بود فروش نفت ایران به شراک خود هیچ‌گاه به رقمی پایین‌تر از یک میلیون بشکه در روز نرسید.

اکنون نیز همان طیف در حالی

سعی در ترساندن افکار عمومی از بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت دارند که به خوبی با این واقعیت آگاهی داشته و دارند که قطعنامه شورای امنیت کاذف پارای بیش نیست وستون تحریمی توانست صادرات نفت خود را بالای یک میلیون بشکه حفظ کند. این در حالی است که در دوره اجرای برجام و در زمان جاری بودن قطعنامه ۲۲۳۱، به دلیل سوءمدیریت دولت روحانی و تحریم‌های مذاکره با آمریکا و صادرات نفت ایران به ۲۰۰ هزار بشکه سقوط کرد. تنها با آغاز دولت سیزدهم و اتخاذ سیاست تعامل با جهان غیرغربی بود که روند صادرات نفت ایران دوباره افزایشی شد و امروز قطعنامه‌های شورای امنیت نبوده و تحریم‌ها را علیه ایران اعمال کرده است به سطحی بازگشته که از نگاه دشمنان نیز غیرقابل است.

این تجربه تاریخی نشان می‌دهد که قطعنامه‌های شورای امنیت کاذف‌پارای بیش نیستند همان طور که قطعنامه ۲۲۳۱ نتوانست مانع تحریم‌های آمریکا شود، قطعنامه‌های بازگشتی از مکتبیس‌ماشه نیز هیچ اثر جدیدی بر شرایط تحریمی ایران نخواهند داشت.

واقعیت این است که ژنرال‌های نفتی دولت حسن روحانی در حالی مقامات پیش از خود را گروهبان معرفی می‌کردند که در زمان دولت خود به‌وش و بی‌بردارایی امنیت (که ماحصل مذاکرات دولت اصلاحات و قطعنامه‌های حکام بود) علی‌رغم تمام فشار تحریمی آمریکا فروخت می‌ایران به متحدها و شرکا خود همچون یک هیچ‌چیز که به رقمی پایین‌تر از یک میلیون بشکه نرسید و در ماه‌های پایانی متحده به مراد ۱۲۲۴، مسیر بازبایی جایگاه ایران در بازار نفت سرعتی خوب به خود گرفته بود.

در برابر این موضوع دولت حسن روحانی و ژنرال‌های خودخوانده، آن بی‌خروج بی‌کیفر آمریکایی‌ها را به بی‌خرمگی خود و تبلیه خودی‌شان وضوح نشان داده و فروش نفت ایران را به‌خوبی خوب به خود گرفته بود.

در برابر این موضوع دولت حسن روحانی و ژنرال‌های خودخوانده، آن بی‌خروج بی‌کیفر آمریکایی‌ها را به بی‌خرمگی خود و تبلیه خودی‌شان وضوح نشان داده و فروش نفت ایران را به‌خوبی خوب به خود گرفته بود.

طولای‌مدت و استثنایی با بازرسان آژانس، همگی با این تلقی انجام شد که تحریم‌ها را لغو می‌کند و سایه تهدید نظامی را دور می‌سازد. اما بزرگاری معیوب ایسن روند در برخی دوره‌ها (با نگاه خوش‌بینانه به غرب)، موجب شده تحریم‌ها گسترش یابند و کم‌تسامت‌ها هستند بمباران، و دانشمندان با ترور شوند. جنگ و بمباران اخیر درست زمانی انجام شد که متغول مذاکره با کشدای آمریکایی، اروپا و آژانس بودیم. بر این مبنا، مذاکره جاری را اروپا و آژانس اگر طلبکارانه نباشد، واجد هیچ ادعای برای کشورمان نخواهد بود، بلکه می‌تواند خسارت‌افزین باشد.

امروز حتی خوش‌خشان‌ترین محافل نسبت به غرب و بزرگ‌کنندگان برجام (و مکتبیس‌ماشه پشت‌قباله آن) اعتراف می‌کنند که روند مذکور، تله‌گذاری شده است. چنان‌که روزنامه غیرغربی شرق به تازگی نوشت: «برجام از آغاز، نه برای حل بحران، بلکه طراحی برای تدلوم فشار بود. در این معماری، مکتبیس‌ماشه، به‌نماینه بازگشت تحریم‌ها و تقصیتی بود تا ایران، حتی در صورت پایبندی کامل، هرگز از مدار انزوا خارج نشود. اسرائیل، از ابتدای مذاکرات، در شکل‌گیری این طراحی نقش ایفا کرد. خروج آمریکا از برجام، نه یک تصمیم شتابزده بلکه گام دوم در همان طراحی بود. نتیجه آن شد که ایران، با وجود پایبندی مستمر، در همان تله‌ای گرفتار شد که مکتبیس‌ماشه طراحی کرده بود. تهدید دائمی، تعلیق اعتماد، و امکان بازگشت تحریم‌ها بدون نیاز به اجماع.»

بر مبنا این گفته شد، باید از تکرار بازی در زمین و تله دشمن اجتناب کرد. خروج غیرقانونی آمریکا از برجام به عنوان رکنی توافق و عهدشکنی طرف اروپایی، به ابطال ملحق برنامه انجامید. بنابراین طرف ایرانی مطلقاً باید مکتبیس‌ماشه» برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ را که فرع بر اصل توافق ابطال شده است، به رسمیت بشناسد و به‌خاطر تهدید طرف اروپایی، به شکلی مذاکره کند که مکتبیس نامعتبر، دوباره اعتبار حقوقی پیدا کند.

گفتنی است که همان‌یک، دو برابر تحریم‌های شورای امنیت، از سوی آمریکا و اروپا اعمال می‌شود و حتی اجرای مکتبیس‌ماشه، تغییر در واقعیت تحریم‌ها نمی‌دهد. اما شبکه سیاسی و رسانه‌ای گرنگراموریت دارد و به‌متنبرسان‌ها و فشننگ‌ناری تنگ بی‌فشنگ «مکتبیس‌ماشه» بپردازد. بر این مبنا، برخورد با این شبکه خائن، اولویت حفاظت از امنیت ملی است. چرایی که شریک کرد خیانت آمریکا باید (و اسرائیل) بود. «مکتبیس‌ماشه» در برجام است. این‌کتابید می‌جال باید تا همین بمب خشی و منفعتی‌شده از سوی خود غرب، را معتبرنمایی و در افکار عمومی کشور علیه اقتصاد فعال کند.

باسخگوی به دغدغه‌های مردم

با تکراری برای فلان مجری متخلف!!

معاون ارتباطات رئیس‌جمهور در اظهارنظری عجیب، سطح مطالبات و توقعات مردم را به فردوسی‌پر و شیران فروگاست.

طباطبایی در برنامه جاجم شبکه یک سیما گفت:

– افزایش همبستگی ملی و وجود سالیق مختلف در تلویزیون بارها در فرمایشات ایدام راحل و رهبر معظم انقلاب آمده است.

دشمن‌دشن تمام افراد جامعه، مهم‌ترین انتظار رئیس‌جمهور از مردم است.

– آقای دکتر پزشکیان از صدایوسما انتظار تبلیغ دولت را ندارند، بلکه انتظار دارند که رسانه ملی متعلق به تمامی مردم باشد.

دولت از صدایوسما انتظار دارد، نه اینکه از دولت دفاع کند، بلکه همه مردم و سالیق را ببینند.

– به حد دلیلی آنتن تلویزیون از عادل فردوسی‌پور گرفته شد؟! چراوانی ربنای

– این فهرست بلند منوع‌المتصورها و منوع‌الکارها در رسانه ملی از کجا آمده است؟! این محدودیت‌ها باعث دلد زده‌گی و فاصله‌گرفتن مردم از رسانه ملی می‌شود.

در مقابل، هر سخن خجی دیگر همان برنامه جاجم گفت. تصویر دولت جدیدم به واسطه بی‌شعری اطلاع‌رسانی آسیب دیده است. شاید به همین دلیل مباحث دقیق تنظیم نمی‌شوند. الان ما درباره نسبت صدایوسما یا دولت صحبت می‌کنیم، ولی مطالب‌بحث‌های آقای فردوسی‌پور با مرحوم شیران ارتباط مستقیمی با دولت ندارند. بایدور می‌شود فروگاستن سالیق و مطالبات مردم به فردوسی‌پور و شیران در حالی است که انتظار می‌رفت معاون دفتر رئیس‌جمهور به جای تقلید و بازگویی جنجال‌های سیاسی بی‌محتوا، درباره اولویت‌های مردم و انتظارات برآورد‌شدان از دولت از یک یکسال سر بگوید؟

– نگاه آقای طباطبایی، چند مردم مرد، دغدغه‌ششان افرا نام برده شده از سوی وی هستند و چند مردم درباره تورم بی‌ضابطه، رهاشدگی بازار از سوی برخی مدیران دولتی، بی‌برنامگی تیم اقتصادی، معضل اجاره‌بها، شهر به مدراس، گران‌فروشی و... دغدغه و سؤالی بر دارند؟!

چرا باید در هفته دولت توجه‌ها در اولویت قراردادن دغدغه‌های اصلی مردم و پاسخگوی در این‌باره با علز آوردن، معاون ارتباطات دفتر رئیس‌جمهور، این‌باشد که فلان مجری متخلف و رسانه‌ای اذاری سیما، روی آنتمی نزنو؟! در ربنای شیران در همان رعبا پختن نمی‌شود؟! آیا این‌گونه مواجهه به معنای طفرورفتن از گزارش درباره رویکرد و برنامه عملکرد مردم ناظر به نیازها و اولویت‌های مردم نیست؟!
بقیه در صفحه۱۱

اخبار کشور

گفت و شنود

خودم دیدم!

گفت: رئیس جبهه اصلاحات گفته است: «حملات رژیم صهیونیستی به

معنای تأیید آن از جانب آمریکا نیست»!

گفتم: ولی تانیاهاو با صراحت اعلام کرده که حمله به ایران با موافقت و کمک آمریکا بوده است و ترامپ هم تأکید کرده رژیم صهیونیستی برای حمله به ایران موافقت آمریکا را کسب کرده بود.

گفت: ایشان اظهار علم کرده و حتی فرموده‌اند: «آمریکا در مواردی تلاش کرده مانع گسترش در گیری شود»!

گفتم: پس چرا بعد از ناگامی رژیم صهیونیستی در حمله به ایران،

خود آمریکا هم وارد معرکه شد و به ایران حمله کرد؟

گفت: این اصلاحاتی‌ها به عشق و عافیه‌ها به آمریکا دارند که حتی وقتی

خود آمریکا هم به جنایتاش اعتراف می‌کند، اصلاحاتی‌ها آن را انکار می‌کنند؟!

گفتم: نوکر یکی از خان‌ها بدجوری عاشقش خان بود و هر روز در

وصف خان دروغ‌بافی می‌کرد و کسی هم به او محل نمی‌گذاشت. یک

روز برای جلب توجه گفت: خان ما شش‌پا در آسمان پرواز می‌کند!

مردم که دیدند دیگر شورش را در آورده است نزد خان رفتند و اعتراضی

کردند که نوکر شما ادعا می‌کند که شما در آسمان‌ها پرواز می‌کنید!

خان گفت: من حتی نوی رختخواب هم نمی‌توانم خودم را جابه‌جا کنم

چه رسد به پرواز در آسمان، وقتی به نوکر گفتند که خان ادعای تو را

تکذیب می‌کند، گفت: خان غلط کرده، به گور پدرش خندیده! خودم

دیدم پرواز می‌کند!

نکته

بنابراین، پیوند نزد مکتبیس‌ماشه

به احتمال جلیه عین چپیز چن دروغ‌پرانی و توطئه روانی نیست.

ایران حتی در دوران جاری بودن

برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ نیز هدف هیچ

خرابکاری‌ان رژیم صهیونیستی و جنگ

اقتصادی تمام‌عیار آمریکا قرار گرفت.

پس ایسن قطعنامه‌ها، به‌نماینه حافظ صلح بلند و نه مسیر دفاعی در

برابر تجاوزگری قدرت‌ها،

خروج از آن، بی‌تاسخ قاطع

اکنون که غربی‌ها همه بی‌احساس

پشت سر خود را خراب کرده و با صراحت کامل در مسیر دشمنی با ایران

برمی‌دارند، بی‌طرفی و قاطع‌ترین پاسخ این خروج از همان آن‌بی‌تی

است. بیش از نیم قرن غیوبت ایران

در این پیمان‌های استداوردی نداشته

و صرفاً به اجرای برای محدود کردن

کشورمان بدل شده است.

خروج ایسران از پیمان آن‌بی‌تی

در برابر مکتبیس‌ماشه این پیام را

غربی‌ها مخایره خواهد کرد که قواعد

خبر که نیروهای اطلاعاتی ایران به انبوهی از اسناد به‌کلّی سری

رژیم صهیونیستی دست یافته‌اند، گروسی با دستپاچگی آشکار

اظهارات قبلی خود را تکرار کرد ولی این‌بار تکراری و اضطراب‌وی

به وضوح از لو رفتن اسناد اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی

بود. گفت: این پرسش‌ها از آقای گروسی در میان است:

الف: آقای گروسی چرا باید از لو رفتن اسناد سری اسرائیل

نگران و دستپتایه شوید؟! آیا غیر از این است که از افشای

وابستگی خود به موساد به وحشت افتاده‌اید؟!

ب: فرموده‌اید که اسناد بسیار محرمانه (Top Secret)

لو رفته است-آیا کجا می‌دانید که اسناد لو رفته از نوع بسیار

محرمانه است؟!

ج: و مهم‌تر از همه، اسناد به کلّی سری آژانس در موساد چه

می‌کند؟! مگر وظیفه قانونی و تصریح شده شما حفظ این اسناد

نبوده و نیست؟!

د: رژیم صهیونیستی حتی عضو پیمان NPT هم نیست، چرا

باید اسناد بسیار محرمانه آژانس را در اختیار داشته باشد؟! چه

کسی غیر از شما این اسناد را به موساد داده است؟!

هـ: **خود گروسی اسناد کشف شده از روابط سری شما با**

موساد پرده برداشته است و...

۳- یادداشت ۲۰ خرداد کیهان به وضوح حکایت از آن می‌کرد

که رافائل گروسی در حال زمینه‌سازی برای توجیه محکومیت

ایران در ششورای حکام آژانس است ولی معصیت مشترک ۱۰ روز

بعد رژیم صهیونیستی و آمریکا که به بهانه تلاش ایران برای

تولید سلاح هسته‌ای صورت پذیرفت، نشان داد که ماجرا فراتر

از زمینه‌سازی برای محکومیت کشورمان در شورای حکام